

متن پیاده سازی شده جلسه هفتاد و دوم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 13 اسفند 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه درس های سابق

مستحضرید که بحث ما، بررسی اعتبار یا عدم اعتبار خبر واحد بود ما این بحث را تمام کردیم؛ ما بحث قرآن، اجماع، روایات، بنا عقلا و درک عقل را مطرح کردیم در این میان فقط روایات و درک عقل را پذیرفتیم البته درک عقل از روایات هم محکم تر بود.

حال در این جلسه باید ببینیم از سوالاتی که مطرح کردیم به کدام محورها رسیدگی کردیم و به کدام رسیدگی نشده است و یا حتی برخی از محورهای جدیدی که وجود دارد را تحت عنوان چند امر رسیدگی کنیم. در گذشته ما قریب به ده یا یازده محور را رسیدگی کردیم من نگاه می کردم که به برخی از آن محورها رسیدگی کردیم و برخی هم مانده است.

محور اول سوالات مطرح شده

در آنجا اولین محوری که داشتیم این بود که محل گفتگو چه نوع خبری است؛ گفتیم مسلم خبر متواتر مورد بحث نیست کما اینکه خبر محفوف به قرینه هم محل بحث نیست؛ فقط سوالی که مطرح بود این بود که خبر محفوف به قرینه اطمینان بخش مثل خبری که با شهرت همراه است یا خبری که با قواعد منطبق است آیا این هم داخل محل بحث است یا نه؟ حال به راحتی می توان پاسخ داد و گفت خبر واحد اطمینان بخش مثل سایر اخبار داخل در محل بحث است یعنی مخالف نمی پذیرد و موافق قبول می کند. جالب این است که مخالفین خبر واحد عموم اخبار را محفوف به قرینه می دانند لذا فقه مخالفین با موافقین خیلی فرقی ندارد لذا شما خیلی تفاوتی بین منتهی علامه و سرائر ابن ادریس نمی بینید. البته نمی گویم اصلاً اختلاف ندارد چرا که ما دیده ایم که ابن ادریس بارها گفته است خبر، واحد است و من طبق آن فتوا نمی دهم اما حرف ما این است که تفاوت ماهر ندارند. محور دوم از سوالات را ما بحث نکردیم چرا که نکات رجالی دارد، محور سوم را هم بحث نکردیم، محور چهارم: این بود که شاید نزاع موافقان و مخالفان خبر واحد صغروی باشد، ما در گذشته احتمال می دادیم و می گفتیم شاید مخالفین خبر واحد خبر غیر محفوف به قرائن را نفی می کنند و موافقین خبر محفوف به قرائن و لذا نزاع لفظی شود. اما پس از بحث های که کردیم فهمیدیم که نزاع واقعی است و امثال ابن ادریس زیر بار خبر واحد نمی روند اما موافقین فی الجمله خبری را که اطمینان بخش هم نباشد می پذیرفتند. پس معلوم است نزاع کبروی است؛ البته ممکن است در نگرش تفاوت داشته باشند.

محور پنجم: اگر بگوییم نزاع کبروی است حدّ نزاع چقدر است؟ مثلاً موافقین چه خبر واحدی را حجت می دانند یا موافقین چه خبری را رد می کنند. آیا موافقین خبر ثقه را قبول دارند یا موثوق الصدور؟ از مطالبی که مطرح کردیم به این نتیجه رسیدیم که موافقین خبر واحد برخی ها خبر ثقه را معتبر می دانند و لو وثوق نیاورد (مانند مرحوم خوئی) در حالی که برخی می گفتند خبر موثوق الصدور حجت است و لو خبر ثقه نباشد(گاهی وقت ها خبر برای یک شخص صادقی نیست ولی اینقدر علما به آن اعتماد کرده اند که اطمینان بخش شده است مانند علی الید اخذت حتی تودی که راویش سمره بن جندب است کسی که از معاویه به او گفت 100 هزار درهم میدهم که آیه و من الناس یشری نفسه ابتغاء مرضات الله ... را که برای امیر المومنین علیه السلام است را بگو برای ابن ملجم نازل شده وهمچنین آیه و من الناس من يعجبك قوله في الحياة الدنيا ... بگو برای امیر المومنین علیه السلام نازل شده است جواب داد من این کار را نمی کنم معاویه پیشنهاد را بالا برد و چهار صد هزار دینار کرد بعد پذیرفت. نتیجه این محور این شد که گفتیم هم خبر ثقه معتبر است و هم خبر موثوق به؛ البته ما قیدی داشتیم که خبر ثقه نباید اطمینان بر

خلافش باشد.

محور هفتم این بود که آیا اعتبار خبر واحد از سوی موافقان، به اعتبار انسداد و ظن مطلق است و پذیرش خبر واحد من حیث ظن است یا اینگونه نیست؟ ما عرض کردیم که موافقین از طریق انسداد نمی خواهند استفاده کنند.

بسم الله الرحمن الرحيم

اولین بحثی که داریم وضعیت اخبار آحاد در امور غیر حکم شرعی است شما اگر به روایات نگاه کنید و اگر ما 100 هزار روایت داشته باشیم بیش از نصف اخبار در غیر احکام شرعی است؛ حال سوال این است وضعیت تعبد و عدم تعبد در این امور چطور می شود؟ اگر به کلمات علما نگاه کنید می بینید که این بحث به سامان نرسیده است.

مقدمه عرض می کنم که ما چیزی داریم به نام دین، و ما دین را به یک سری دستورها مثل وجوب زکات، صلاة و... حرمت و نجاست فلان چیز می شناسیم و این امور به عمل مکلفین مربوط می شود که از این به فقه یا شریعت به معنی الاخص تعبیر می کنند.

شریعت دستورات خداست اما فقه استنباطات فقیه است و بین این دو عام و خاص من وجه است لذا گاه استنباطات فقیه با شریعت می سازد که می شود حکم واقعی و گاه نمی سازد می شود حکم ظاهری (البته هر دو حجت است) اما شریعت معصوم است و خطا بردار نیست.

یک بخشی از دین: بحث های است که مربوط به احکام نیست بلکه مربوط به باور است مثل اینکه خدا واحد است، احد است، کتاب های فرستاده شده، مسائل مربوط به معاد (گفته شده 1800 آیه در مورد معاد در قرآن است) اعتقاد به معاد که از سنخ عمل نیست بلکه باور است. باور به دو قسم کلان تقسیم می شود: 1: اصول مثل توحید و معاد و... 2: فروع مثل نشر و حشر، صراط و...

قسم سومی هم متصور است که نه از سنخ شریعت به معنی الاخص است و نه از سنخ باور بلکه از سنخ آگاهی و معرفت است مثل داستان حضرت یوسف، قوم سبا و... یا در روایات مطالبی در مورد سماء و العالم و... آمده که نه از سنخ باور است و نه از سنخ عمل بلکه از سنخ دانستنی هاست.

حال سوال این است که آیا اخباری که این امور را بیان می کنند حجت هستند یا نه؟

و الحمد لله رب العالمين